



سه ضرورت توسعه علمی دوره امام باقر(ع)/ پایه گذار علم اصول

حجت الاسلام خدامیان آرائی گسترش قلمرو جهان اسلام، رونق مباحث فقهی و آغاز اوج‌گیری روایت حدیث اهل سنت و تحریقاتی که در دین رخ داده بود را سه ضرورت توسعه علمی دوره امام باقر(ع) عنوان کرد.

حجت الاسلام خدامیان آرائی گسترش قلمرو جهان اسلام، رونق مباحث فقهی و آغاز اوج‌گیری روایت حدیث اهل سنت و تحریقاتی که در دین رخ داده بود را سه ضرورت توسعه علمی دوره امام باقر(ع) عنوان کرد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «باقر و امام باقر» به معنای شکافنده و باقر العلوم لقب کسی است که در تبیین و توضیح علوم متفاوت، متبحر و ممتاز باشد. می‌دانیم که در زمان امام باقر(ع) فرصتی پیش آمد تا آن حضرت بتوانند به تربیت شاگردانی چون «زراهره» و «محمد بن مسلم» بپردازند و بخش گسترده‌ای از تعلیمات اسلامی را به آنان تعلیم دهند که همان تعلیمات، از طریق شاگردان امام در منابع شیعه وارد گشت. در خصوص ویژگی‌های عصر امام باقر(ع) و درسی که امروز از دوره امامت ایشان می‌گیریم، با علی اکبر خدامیان آرائی، نویسنده و استاد حوزه علمیه، گفتگویی داشتیم.

خدامیان آرائی گفت: عنوان باقر العلوم با تعبیرات مختلف در مورد امام پنجم به کار رفته است: باقر العلم، باقر العلوم، باقر علم الدین، باقر علم النبیین، باقر علم الله و رسوله، باقر علم الاولین و الآخرين. این لقب در آغاز از سوی پیامبر گرامی اسلام، قبل از میلاد امام پنجم به ایشان داده شد و به عنوان یک نشانه و ویژگی برای امام به کار رفت. برداشت از این واژه «ها متفاوت است؛ گاهی باقر را به معنای گسترش دهنده علوم معنا کرده‌اند، برخی از واژه باقر، گستردگی علم و دانش و تبخّر آن بزرگوار را فهمیده‌اند و گاهی اظهار دانش و آشکارسازی آن را معادل مفهوم باقر گرفتند. در هر حال، در اینکه امام پنجم کانون نشر معارف الهی و چشمه فیاض علوم انبیایی بوده، تردیدی وجود ندارد. ایشان را بنیانگذار دانشگاه بزرگ شیعی می‌دانند.

این کارشناس دینی اظهار داشت: اما در مورد عصر امام باقر(ع)، باید با دقت بیشتری به آن پرداخته شود و اگر اجازه بدهید با تفصیل بیشتری به آن پرداخته شود تا عصر امام باقر(ع) و ضرورت پرداختن به علم، بطور کامل تبیین گردد. نکته «ای که عرض می‌شود، تا به حال با این پیوستگی به آن پرداخته نشده است. تاریخ امام باقر(ع) را باید با نگاهی فراتر و توجه به عصر ائمه قبل از ایشان بررسی کرد.

وی افزود: بعد از پیامبر گرامی اسلام، حدود ۲۵ سال، زمان خلافت خلفا و خانه «نشینی امام علی(ع) بوده است و ایشان به طور رسمی، کرسی تعلیم و تدریس و شاگردآموزی نداشتند، اگرچه همیشه افراد خاصی بوده‌اند که ارتباط علمی و معرفتی خود را با امام حفظ می‌کردند. پس از این ۲۵ سال، حدود ۴ سال، امام حکومت کردند که در این چهار سال نیز، مخالفین امام اعم از قاسطین و مارقین و ناکثین، نگذاشتند که کرسی رسمی تعلیم و تدریسی برای امام مهیا شود، اگرچه امام در فرصت‌های مختلف و متعدد حتی در جنگ، از فرصت استفاده کرده و به تعلیم و معرفت «زایی می‌پرداختند. عصر امامت امام حسن(ع) هم که حدوداً ۱۰ سال طول کشید، در زمان معاویه بوده که با سیاست‌های «حیله‌گرانه و مکارانه او، امام به طور کامل در بایکوت بوده و از هیچ کرسی رسمی تعلیم و تدریسی برخوردار نبودند.

وی افزود: در ادامه عصر امام دوم، عصر امام حسین(ع) نیز همانگونه طی شده و پس از معاویه که یزید به حکومت رسید، واقعه کربلا اتفاق افتاد و امام حسین(ع) نیز، امکان استفاده از کرسی رسمی تعلیم و تدریس را نداشتند. پس از عاشورا و اتفاقات کربلا، عصر امام سجاد(ع) نیز که یادگار کربلا و پیام «آور آن بودند، در دوران خفقان حکومت یزید و دیگر خلفای اموی طی شد و دورانی بود سیاه و آلوده و عصر اختناق و کشتار. لذا امام سجاد(ع) نیز عملاً امکان استفاده از کرسی رسمی تعلیم و تدریس نداشتند و از همین رو امام سجاد(ع) معارف دینی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و... را به صورت ادعیه بیان فرموده و در مجموعه «ای بنام «صحیفه سجادیه» ارائه کردند.

خدامیان آرائی گفت: بنابراین تا زمان امام باقر(ع)، ائمه قبل از ایشان، امکان تعلیم و تدریس و شاگردآموزی برایشان مهیا نبوده است. اما در زمان امام باقر(ع)، این امکان تا حدّی مهیا شد و دارای کرسی تدریس و تعلیم بودند و این هم به خاطر جوّی بود که ایجاد شد، خصوصاً فروکش کردن تنش‌های سیاسی و به حکومت رسیدن عمر بن عبدالعزیز که کتابت حدیث را آزاد کرد و به تدوین حدیث فرمان داده و لعن امیرالمؤمنین(ع) را در منابع ممنوع اعلام کرد. لذا امام

باقر(ع) را پایه‌گذار و بنیانگذار دانشگاه بزرگ اسلام می‌نامند که توسعه و انتشار این دانشگاه بزرگ به دست امام صادق(ع) انجام شد.

وی گفت: با توجه به این نکته و تاریخی که بیان کردم، معنای باقرالعلوم روشن شده و تبیین می‌شود. شیخ طوسی که از مؤلفان دو کتاب از کتب اربعه شیعه است، تعداد شاگردان امام باقر(ع) را حدود ۵۰۰ نفر نقل کرده است که در آن تاریخ و عصر و محدودیتی که برای امامان و شیعیان از طرف حکومت‌ها ایجاد می‌شد، بی‌سابقه بوده است.

وی در ادامه گفت: درباره ضرورت پرداخت به علم در زمان امام باقر(ع) باید سه نکته را مطرح نمود که این سه مورد در واقع، از عوامل پرداختن به علم در آن دوره است. مورد اول، گسترش قلمرو جهان اسلام در زمان امام بود. در عصر امامت امام باقر(ع) که حدوداً ۱۹ سال طول کشید، جهان اسلام به لحاظ گسترش قلمرو و حوادث سیاسی و اجتماعی، موقعیت ویژه‌ای پیدا کرد. حجاز نیز که مرکز طلوع وحی و مهد نبوت بود، لذا امام، مدینه را به عنوان مرکز علمی و سرچشمه معارف الهی قرار داد و شهرت علمی امام بدانجا رسید که علمای بلاد اسلامی از مدینه دیدن نمی‌کردند جز اینکه به خدمت حضرت مشرف شوند و از دانش ایشان استفاده کنند.

وی افزود: مورد دوم، رونق مباحث فقهی و آغاز اوج‌گیری روایت حدیث اهل سنت بود. از علمای اهل سنت افرادی مثل زهری، مکحول، قتاده، هشام بن عروه و... در زمینه نقل حدیث و ارایه فتوی فعالیت می‌کردند و البته وابستگی اشخاصی مثل زهری، ابراهیم نخعی، ابوالزناد، رجاء ابن حیوة و... به دستگاه حکومتی، ضرورت پرداختن امام به سنت واقعی پیامبر(ص) را روشن می‌کرد. پیش از این زمان، فقه و حدیث در جامعه مورد بی‌اعتنایی کامل قرار گرفته بود و بی خبری مردم زمانی به اوج خود رسید که فتوحات اسلامی آغاز شد. در طول نیمه دوم قرن اول هجری، حتی مردم کیفیت اقامه نماز و حج را نیز نمی‌دانستند.

حجت الاسلام خدایان آرائی افزود: مورد سوم، انحرافات و تحریفاتی بود که پدید آمده و لازم بود که امام(ع) برای دفاع از اسلام و زدودن تحریفات و پیراسته‌سازی از انحرافات انجام دهد. مبارزه با خوارج، مبارزه با دروغ‌پردازان و غالیان، مبارزه با بدعت‌گذاران، پیراسته‌سازی از انحرافات دانشمندان و... از جمله اقداماتی بود که امام باقر(ع) انجام دادند. این سه مورد، از مواردی است که ضرورت پرداختن به علم را در زمان امام باقر(ع) مشخص می‌کند.

وی در ادامه افزود: با توجه با نکاتی که عرض شد و دقت در عصر امام و ضرورت‌های پرداختن به علم در زمان امام باقر(ع)، کاملاً روشن می‌شود که در عصر حاضر نیز، دقیقاً هر سه مورد عوامل پرداختن به علم وجود دارد. دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و مراکز علمی که سگانداز علم و آموزش و پژوهش در کشور هستند، لازم است با توجه به هر سه ضرورت بیان شده، وظایف خود را به طور کامل انجام دهند. گسترش اسلام و اسلام‌گرایی در عصر حاضر، غیر قابل انکار است و مراکز علمی کشور باید به این نیاز، پاسخ بدهند و حرف برای گفتن داشته باشند. اسلام، دین کامل و جامع و خاتم است. خاتمیت دین اسلام به این معناست که به تمام نیازهای مردم و جامعه به طور کامل پاسخ‌گوست. این پاسخگویی را باید در مراکز علمی کشور ببینیم نه اینکه فقط مقلد غربی‌ها و گذشتگان باشیم. این نکته مهمی است که گذرا عرض کردم و به تفصیل آن نمی‌پردازم.

این کارشناس دینی ادامه داد: انحرافات و تحریفاتی هم، آسیب بزرگی است که گریبانگیر دین شده و دشمنان اسلام با بودجه‌های هنگفت و نامحدود، به دنبال دین‌زدایی هستند که لازم است مقابله با این آسیب از طرف دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی انجام بگیرد و بیش از این تأخیری در این زمینه صورت نگیرد.

وی تصریح کرد: می‌دانیم که افراد و جوامع، نسبت به دانش‌ها پنج حالت دارند: ۱) تولید کننده دانش. ۲) مصرف کننده دانش. ۳) توزیع کننده دانش. ۴) بی‌خبر از دانش. ۵) تباه کننده دانش. دنیای اسلام در شرایط کنونی، نیاز دارد تا از حالت مصرف کنندگی و ترجمه و اقتباس و توزیع کننده علم به مرحله تولید علم و تکمیل آن برسد. توجه به این مقدمه، باید عرض شود خلأ بزرگی که در جامعه فعلی ما وجود داشته و گریبانگیر عصر حاضر است، دو مورد است: یکی بحث تولید علم و دیگری جهاد علمی است. در هر دو مورد امام باقر(ع) فعالیت‌های ویژه‌ای داشته‌اند. در بحث جهاد علمی، امام(ع) چند فعالیت عمده انجام دادند: تشویق به فراگیری علوم، نشر علوم، تربیت شاگردان، مناظرات علمی و روشنگری.

خدایان آرائی افزود: در بحث تولید علم که از لحاظ اهمیت، درجه بالاتری از مورد قبلی دارد و مبنای اش نیز به خاتمیت

اسلام و تبیینی که عرض کردم، برمی‌گردد؛ لازم است توجه بیشتری بشود. در این زمینه بر اساس مبانی اعتقادی؛ که درباره امامت وجود دارد، محدودیتی برای قلمرو دانش؛های امام وجود ندارد و موارد فراوانی در احادیث وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد تا بیان شود. به عنوان نمونه، علامه سید محسن امین و مرحوم صدر و دیگر بزرگان، پایه‌گذار علم اصول را که زیربنای اجتهاد است، امام باقر(ع) می‌دانند. متأسفانه در عصر حاضر، ما در این زمینه خروجی ویژه‌ای نداشته‌ایم و مع الاسف مقلد از کشورهای غربی هستیم.

استاد حوزه علمیه گفت: تأسف بیشتر زمانی است که برخی فعالیت‌های علمی، دچار ممنوعیت و بایکوت قرار می‌گیرند که در کشوری همانند ایران که در تاریخ گذشته‌اش مهد علم و تمدن بوده است، عجیب است. علم برای گسترش و پیشرفت خود نیازمند مباحثه، مذاکره، مناظره و... است و زمانی به پیشرفت می‌رسد که در میدان بحث قرار گرفته و موافقان و مخالفان، در عرصه نبرد علمی، نظرات و ادله خود را بیان کنند که نتیجه این نبرد علمی، پیشرفت علم و دانش خواهد بود.

وی در پایان گفت: در عصر حاضر، برخی مواقع، اگر شخصی حرفی خلاف روند علمی موجود بزند، دچار بایکوت و ممنوعیت و تکفیر می‌شود که این خلاف سیره امام باقر(ع) است. نمونه‌ای را برای مثال عرض می‌کنم و البته شاید خوشایند برخی‌ها نباشد. بحث جدیدی که مدتی است در کشور مطرح شده، بحث طب اسلامی است که موافقان و مخالفان عمده‌ای هم دارد. راه درست در هر جریانی اعم از جریان‌های فکری، عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و...، مناظره و مباحثه و مذاکره است نه بایکوت و ممنوعیت. در این جریان طب اسلامی هم مسئولان امر باید راه علمی و درست را در پیش بگیرند و جلسات هم‌اندیشی و مناظرات علمی و مباحثات دقیق صورت بگیرد، نه ممنوعیت و بایکوت کردن. در طول تاریخ، مسلم شده است که ممنوعیت و بایکوت و محروم کردن، نه تنها اثر ندارد، بلکه تأثیر معکوس گذاشته و موجب تبلیغ بیشتر آن می‌گردد. سیره امام باقر(ع) این بوده است که جریانات مختلفی که شکل می‌گرفت و به راه می‌افتاد، امام(ع) به مناظره و مباحثه پرداخته و روشنگری می‌نمودند. مناظراتی که امام با جریان غلو، خوارج، فرقه‌های مرجئه، جارودیه، مغیره، جبریه و قدریه داشتند از همین قبیل است. ان شاءالله که بتوانیم از سیره امام باقر علیه السلام بهره‌وافی برده و در صحنه عمل، شاهد انجام فرمایشات و بکارگیری سیره و الگوی آن حضرت باشیم.

سارا فرجی